

توصیف فراکتالی اثرات قرق درازمدت و چرای مفراط بر الگوی تغییرات مکانی شماری از ویژگی‌های شیمیایی خاک

جهانگرد محمدی و فایز رئیسی گهروی^۱

چکیده

آگاهی از ساختار وابستگی مکانی ویژگی‌های مختلف خاک که نسبت به سیستم‌های چرا دارای حساسیت‌اند، از نقطه نظر تعیین میزان و نوع تغییرات حادث شده در روابط خاک- گیاه و جلوگیری از وقوع تغییرات ناخواسته و مضر در اکوسیستم، حائز اهمیت است. در بررسی حاضر از مجموعه روش‌های آماری ژئواستاتستیک و نظریه فراکتال به منظور بررسی آثار قرق طولانی مدت بر تغییرات مکانی شماری از خصوصیات شیمیایی خاک شامل مواد آلی، ازت کل، فسفر و پتاسیم قابل دسترس در دو ناحیه تحت قرق و غیرقرق واقع در منطقه سبزکوه استان چهارمحال و بختیاری استفاده شده است. بررسی ساختار تغییرات مکانی متغیرهای موردنظر از طریق محاسبه تابع آماری واریوگرام انجام شد.

نتایج نشان داد که الگوی تغییرات مکانی متغیرهای خاک به تاریخچه مدیریت مرتع کاملاً وابسته است. واریوگرام مواد آلی در منطقه چرا دارای ساختاری خطی و بدون دسترسی به واریانس آستانه با توجه به مقیاس مطالعاتی بوده است. در حالی که الگوی تغییرات مکانی این متغیر در نواحی قرق از ساختاری قوی و دارای واریانس آستانه مشخص تبعیت می‌کند. علاوه بر آن فسفر قابل دسترس در منطقه چرا فاقد هرگونه ساختار مکانی بود. واریوگرام‌های ازت کل و پتاسیم قابل دسترس در هر دو ناحیه قرق و چرای مفراط تابع ساختار کروی است، بنابراین دامنه تغییرات در نواحی قرق تقریباً دو برابر ناحیه تحت چرا بوده است. نتایج حاصل از به کارگیری نظریه فراکتال نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاک دارای خصیصه‌های فراکتالی بوده، بدین ترتیب که آزمون تغییرات مکانی آنها با افزایش مقیاس مطالعاتی اطلاعات با جزئیات بیشتری را آشکار می‌سازد. هم‌چنین نتایج حاصل از محاسبه بعد فراکتالی نشان می‌دهد که مقدار عددی بعد فراکتالی برای تمامی متغیرهای مورد بررسی بزرگ و به عدد ۲ نزدیک است. در عین حال بعد فراکتالی برای فسفر و پتاسیم قابل دسترس در ناحیه چرا بزرگ‌تر از ابعاد فراکتالی آنها در نواحی قرق است. هم‌چنین بعد فراکتالی، که با استفاده از واریوگرام محاسبه شد، می‌تواند به عنوان شاخصی مناسب به منظور توصیف الگوی تغییرات مکانی یک متغیر و پیچیدگی‌های موجود در آن، به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: بعد فراکتال، ژئواستاتستیک، واریوگرام، مدیریت مرتع

۱. به ترتیب دانشیار و استادیار خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهرکرد

مقدمه

تجزیه و تحلیل تغییرات مکانی و زمانی خصوصیات و ویژگی‌های پارامترهای محیطی مانند خاک و گیاه نیازمند به‌کارگیری مفاهیم و روش‌های آماری خاص است. واریوگرافی که در طی آن اقدام به محاسبه تابع آماری سمی واریانس می‌شود، یکی از ابزارهای آماری مهم در برآورد ساختار تغییرات مکانی متغیرهای محیطی است. این تابع آماری که براساس نظریه متغیر ناحیه‌ای استوار است، بیان‌کننده میزان وابستگی بین مشاهدات به‌عنوان تابعی از فاصله بین آنها بوده و بنابراین برای تعیین الگوی پراکنش داده‌ها در بعد مکان به‌کار گرفته می‌شود (۱۲).

براساس نظریه متغیر ناحیه‌ای، تغییرات مکانی یک متغیر ناحیه‌ای دارای دو مؤلفه ساختاری و تصادفی بوده که نخستین مؤلفه، بیان‌کننده یک روند و یا مقدار ثابت بوده و دومین مؤلفه، نشان‌دهنده تغییرات تصادفی از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. بدین ترتیب هدف اصلی در ژئواستاتستیک، ارائه مدلی مناسب برای توصیف تغییرات مکانی یک متغیر ناحیه‌ای با در نظر گرفتن هر دو مؤلفه ساختاری و تصادفی است. این مدل برپایه تابع تصادفی استوار بوده که پس از در نظر گرفتن مجموعه‌ای از فرضیات، منجر به تابع آماری سمی واریانس می‌شود. در ترسیم واریوگرام، بدین مفهوم که مقدار تابع سمی واریانس را به ازای مقادیر مختلف فاصله در یک نمودار رسم کرد، غالباً آنها در فواصل خیلی کوتاه تغییرات ناگهانی و سریعی از خود بروز داده و بدین ترتیب مقدار سمی واریانس در مبدأ صفر نبوده و واریوگرام‌ها از مرکز مختصات محور سمی واریانس عبور نمی‌کند. این مقدار را اصطلاحاً اثر قطعه‌ای می‌نامند. اثر قطعه‌ای ناشی از عواملی مانند تغییرات مشخصه مورد بررسی در فواصل کمتر از کوتاه‌ترین فاصله نمونه‌برداری، خطاهای اندازه‌گیری و آزمایشگاهی و دیگر تغییرات غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد. این تغییرات معادل پدیده تصادفی نویز سفید (White Noise) در علوم فیزیک است (۱۲).

در علوم زیست محیطی تصور این‌که چنین نوسانات و

تغییرات فاقد ساختار قابل توصیفی هستند، مشکل و با واقعیت انطباق ندارند. به‌طور مثال با افزایش مقیاس مشاهداتی می‌توان اقدام به استخراج ساختاری نظام‌دار از درون نوسانات تصادفی به‌ظاهر نویز سفید نموده که در مقیاس‌های مکانی مختلف تکرارپذیر است. بدین ترتیب ماهیت سلسله مراتبی بودن تغییرات و نوسانات مکانی یک متغیر ناحیه‌ای را می‌توان با به‌کارگیری مفهوم فراکتال (Fractal Concept)، که بیان‌کننده نسبتی بودن تغییرات است، به صورت کمی توصیف کرد (۴ و ۹). بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از خصوصیات خاک و گیاه دارای رفتاری فراکتالی است. بنابراین با استفاده از نظریه فراکتال می‌توان الگوی ساختاری تغییرات مکانی و یا زمانی آنها را بررسی کرد (۳ و ۱۱).

تغییرات مکانی و ناهمگنی پراکنش جغرافیایی خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک‌های اکوسیستم‌های مرتعی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی و زیستی شامل توپوگرافی، پوشش گیاهی، میکرو کلیمای خاک، سیستم‌های مختلف چرا و مدیریت‌های گوناگون مراتع است. بسیاری از این عوامل دارای تغییرات نه تنها در مکان بلکه در واحد زمان نیز می‌باشند (۲ و ۵). سیستم‌های چرا روی جریان و چرخه عناصر غذایی در اکوسیستم مرتع از طرق مختلف مانند مصرف، برگشت از طریق فضولات احشام، توزیع مجدد و خارج‌سازی تأثیر می‌گذارد. نتایج حاصل از بررسی آثار سیستم‌های چرا بر ویژگی‌های شیمیایی خاک مانند مواد آلی، و چگونگی مقدار و وضعیت عناصر غذایی تا حدودی ضد و نقیض به نظر می‌رسد. این ممکن است ناشی از شرایط خاص و متفاوت اقلیم، خاک، پوشش گیاهی و مدیریت مرتع باشد (۱، ۶ و ۷).

آگاهی از ساختار وابستگی مکانی خصوصیات مختلف خاک که نسبت به سیستم‌های چرا دارای حساسیت‌اند، از نقطه‌نظر برآورد میزان و نوع تغییرات حادث شده در روابط خاک-گیاه و جلوگیری از وقوع تغییرات ناخواسته و مضر در اکوسیستم حائز اهمیت است (۸ و ۱۳).

هدف از مقاله حاضر به‌کارگیری روش‌های آماری

کل (روش کلدال)، فسفر قابل دسترس (روش اولسن) و پتاسیم قابل دسترس (روش استات آمونیوم) اندازه‌گیری شد (۱۰). مقایسه آماری میانگین‌های متغیرهای مختلف با استفاده از آزمون t صورت گرفت.

نظریه فراکتال

در سال ۱۹۶۷ مندلبورت (Mandelbrot) ریاضی‌دان انگلیسی پرسشی قدیمی را طرح کرد که مدت‌ها پاسخ مناسبی برای آن یافت نمی‌شد. این پرسش ظاهراً ساده عبارت بود از این‌که طول ساحل کشور انگلستان چقدر است؟ او با تغییر مقیاس اندازه‌گیری نشان داد که طول ساحل نیز تغییر می‌کند. به طوری‌که با کوچک‌تر شدن طول واحد اندازه‌گیری، طول ساحل اندازه‌گیری شده بزرگ‌تر می‌شد. بدین ترتیب با توجه به نامحدود بودن مقیاس اندازه‌گیری، در نهایت طول ساحل، نامحدود به نظر می‌رسد. چنین نظریه‌ای به تحولی فراگیر در درک تصویری که تاکنون از بعد وجود داشت، منجر شد و علمی به نام هندسه فراکتال پایه‌گذاری گردید. هندسه فراکتال عبارت از هندسه پدیده‌ها و سیستم‌های ناهموار با مرز ناصاف و شکل ناقطری است. یکی از ویژگی‌های اساسی فراکتال‌ها، که پایه و اساس تجزیه و تحلیل‌های فراکتالی است، خود تشابهی آماری (Statistical Self-Similarity) بوده که بیان‌کننده تشابه ظاهری در یک و با تمامی جهات و مقیاس‌هاست. به عبارت دیگر، خود تشابهی آماری بیان‌کننده حالتی است که الگوی تغییرات مورد نظر در یک مقیاس معین در دیگر مقیاس‌ها نیز تکرار می‌شود (۴ و ۹). همان‌گونه که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، با کاهش عدد مقیاس در مراحل مختلف، جزئیات بیشتری با قدرت تفکیک بالاتر حاصل شده است. در عین حال خصوصیت فراکتالی با افزایش مراحل تا بی‌نهایت بروز می‌نماید. از سوی دیگر فاصله بین دو نقطه اختیاری روی منحنی فراکتالی به مقیاس مورد سنجش بستگی دارد.

به‌منظور توصیف خود تشابهی در یک پدیده فیزیکی

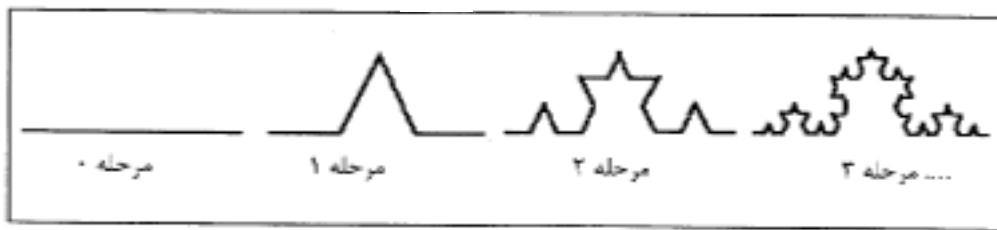
ژئواستاتستیک و نظریه فراکتال برای توصیف الگوی تغییرات مکانی شماری از خصوصیات شیمیایی خاک تحت تأثیر مدیریت‌های مختلف مرتع است.

مواد و روش‌ها

منطقه مطالعاتی

پژوهش حاضر در بخشی از مراتع طبیعی منطقه سبزکوه در استان چهارمحال و بختیاری انجام شد. منطقه مورد بررسی در جنوب شرقی استان و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شهرکرد (مرکز استان) واقع شده است. این منطقه کوهستانی و پوشیده از گیاهان علفی، درختچه و درختان است. حدود ۴۰۰ هکتار از مراتع واقع در مرکز این منطقه به مدت حدود بیست سال به طور پیوسته تحت قرق قرار گرفته است. از نقطه نظر آب و هوایی، میانگین دمای سالانه ۶/۸ درجه سانتی‌گراد و میانگین بارندگی سالانه حدود ۸۰۰ میلی‌متر است. مهم‌ترین گونه‌های گیاهی شامل *Poa bulbosa*, *Bromus tomentellus*, *phlomis percica*, *Agropyron intermedium*, *Amygdalus orientalis*, *Fraxinus Syriaca*, *Daphne mucronata*, *Astragalus sp.* است.

نمونه‌برداری خاک در دو ناحیه قرق و غیرقرق انجام شد. براساس پوشش گیاهی غالب، ناحیه قرق به دو زیربخش قرق با پوشش مرتعی غالب، قرق الف، و قرق با پوشش درختی و درختچه‌ای غالب، قرق ب، تقسیم شد. در هر ناحیه نمونه‌برداری از خاک سطحی (۳۰-۰ سانتی‌متر) و روی دو ترانسکت شرقی- غربی به طول ۵۰۰ متر صورت گرفت. جهت ترانسکت‌های نمونه‌برداری با توجه به قرارگیری منطقه مورد بررسی در دامنه‌های ارتفاعات موجود در منطقه، که به موازات جهت شرقی- غربی بود، انتخاب شد. انتخاب محل‌های پیاده‌کردن ترانسکت‌ها به گونه‌ای انجام شد که فاکتورهایی مانند جهت و درجه شیب، ارتفاع و نوع مواد مادری تقریباً یکسان و محل‌های قرق شده در مجاورت هم و کمتر دستخوش تغییرات واقع شده باشد. فواصل بین نمونه‌ها ۱۰ متر و بدین ترتیب روی هر ترانسکت مجموعاً ۵۰ نقطه نمونه‌برداری شد. پس از آماده‌سازی نمونه‌ها، میزان مواد آلی (روش واکلی بلاک)، ازت



شکل ۱. نمایش گرافیکی بروز ویژگی‌های فراکتالی، در گذر از یک مرحله ساختاری فراکتال به مرحله بعدی مرحله اول که همراه با پیچیده‌تر کردن ساختار مرحله قبل است.

از نوسانات کوتاه‌دامنه و بلنددامنه در فضای مورد مطالعه است، بنابراین مقادیر بزرگ‌تر D نشان‌دهنده اهمیت و غالب بودن تغییرات کوتاه‌دامنه و بالعکس می‌باشد. در شرایط نویز سفید، شیب خط برابر صفر بوده و در نتیجه بعد فراکتال مساوی ۲ خواهد بود. این بدان معنی است که مقادیر متوالی اندازه‌گیری شده برای یک متغیر تقریباً از یکدیگر مستقل بوده و هیچ‌گونه وابستگی مکانی بین مقادیر موردنظر نمی‌توان تصور کرد. از سوی دیگر چنانچه یک روند خطی ساده در مقادیر اندازه‌گیری شده وجود داشته باشد، در این صورت شیب خط برابر ۲ و بعد فراکتالی، مساوی یک است. بدین ترتیب حداقل نوسانات نقطه‌به‌نقطه بین مقادیر مشاهداتی وجود داشته و تغییرات به‌طور عمده از نوع بلنددامنه می‌باشد.

نتایج و بحث

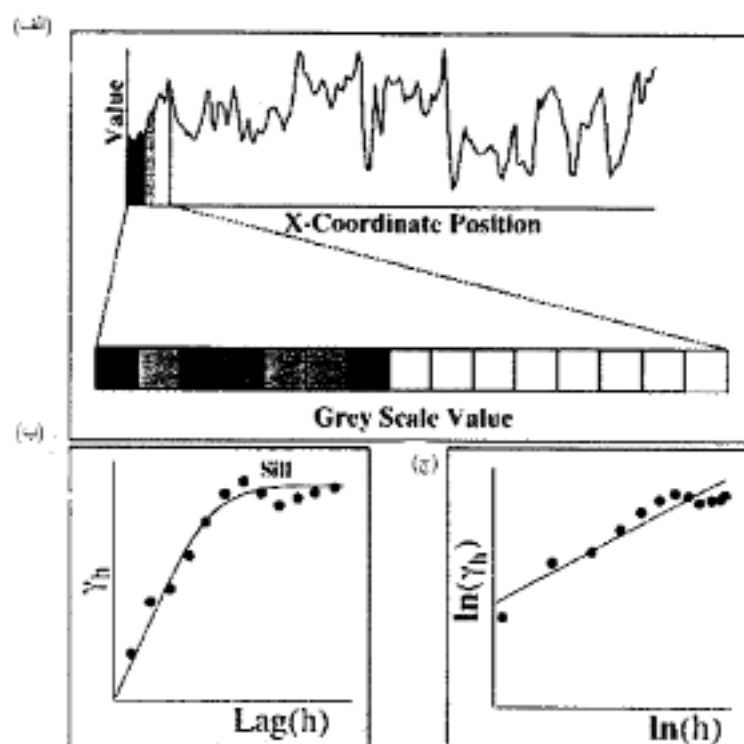
خلاصه آماری داده‌های محل‌های مختلف نمونه‌برداری، ۵۰ نمونه برای هر محل، در جدول ۱ ارائه شده است. بررسی توزیع داده‌ها نشان داد که تمامی متغیرها دارای توزیع طبیعی و یا نزدیک به آن هستند. میانگین میزان مواد آلی در هر دو منطقه قرق و چرای مفرط تقریباً مساوی است. از نقطه‌نظر آماری نیز تفاوت معنی‌داری بین محل‌های مختلف از نظر میانگین میزان مواد آلی دیده نشد. به‌نظر می‌رسد افزایش مواد آلی در نقاط تحت قرق که به‌طور عمده از طریق افزایش تراکم پوشش گیاهی صورت گرفته است، در محل‌های تحت چرا از طریق برگشت‌های دامی و فضولات احشام، تا حدودی جبران شده است. در عین حال ضریب تغییرات نشان می‌دهد که

و یا شیمیایی، از پارامتری به‌نام بعد فراکتالی (Fractal Dimension) استفاده می‌شود. اگر چه اشکال معمول هندسی دارای عدد بعد صحیح و غیراعشاری، مانند بعد ۱ برای خط و یا عدد بعد ۲ برای مربع هستند، ولی اشکال فراکتالی دارای ابعادی ناصحیح‌اند. روش‌های مختلفی برای محاسبه بعد فراکتالی پدیده‌های طبیعی وجود دارد که اغلب آنها تجربی است. در شرایطی که با سری‌های مکانی و یا زمانی روبه‌رو هستیم، در این حالت بعد فراکتالی یک سری مکانی توصیف‌کننده، رابطه بین واریانس اختلافات بین مقادیر متغیر مورد بررسی که در فاصله‌ای مشخص از یکدیگر واقع شده‌اند و مقیاس فاصله خواهد بود. چنین رابطه‌ای را می‌توان از طریق محاسبه تابع سمی واریانس (واریوگرام) به‌صورت کمی بیان کرد (۱۲).

بورو (Burrough) از تابع سمی واریانس، $\gamma(h)$ ، به‌عنوان ابزاری برای محاسبه بعد فراکتالی متغیرهای محیطی و هم‌چنین لنداسکیپ‌های مختلف استفاده کرد (۳). وی نشان داد که سمی واریانس یک خصوصیت محیطی به‌عنوان پدیده‌ای با خصوصیت خودتشابهی آماری عبارت است از:

$$2\gamma(h) = E[Z_{x+h} - Z_x]^2 = h^{4-2D} \quad [1]$$

که در آن Z_x و Z_{x+h} ، مقادیر متغیر مورد مطالعه در نقاط x و $x+h$ بوده که با فاصله h از یکدیگر قرار گرفته‌اند. معادله نشان می‌دهد که چنانچه لگاریتم سمی واریانس را به‌عنوان تابعی از لگاریتم فاصله h ترسیم و مناسب‌ترین خط برگشت برازش داده شود، در این صورت شیب خط رگرسیون عبارت از $4-2D$ خواهد بود (۳). جزئیات محاسبه بعد فراکتالی در شکل ۲ نمایش داده شده است. از آنجایی که مقدار عددی D انعکاسی



شکل ۲. مراحل مختلف محاسبه بعد فراکتالی یک خصوصیت محیطی: (الف) نوسانات مقادیر یک متغیر محیطی به عنوان تابعی از موقعیت مکانی مشاهدات در طول ترانسکت که در مقیاس رنگ خاکستری نمایش داده شده است، (ب) واریوگرام متغیر مورد نظر و پارامتر حد آستانه، Sill، که در آن مقدار سمی واریانس به مقدار واریانس مشاهدات نزدیک می‌شود، (ج) نمودار لگاریتم سمی واریانس به عنوان تابعی از لگاریتم فاصله به همراه خط برگشت برآزش داده شده که برای محاسبه بعد فراکتالی استفاده می‌شود.

تحت چرای مفراط بود. از سوی دیگر محل قرق الف، با پوشش علفی غالب، دارای میزان فسفر و پتاسیم قابل دسترس بیشتری در مقایسه با محل قرق دارای پوشش غالب درختی و درختچه‌ای بود. به نظر می‌رسد که وجود پوشش متراکم علفی در سطح خاک باعث جلوگیری از هدر رفت عناصر غذایی تحت تأثیر فلاکس جریان آب در خاک شده است. از سوی دیگر با توجه به برگشت سریع‌تر و بیشتر عناصر غذایی موجود در گیاه از طریق بقایای گیاهان علفی، مقادیر این عناصر در محل قرق الف بیشتر از محل قرق ب است.

تجزیه و تحلیل ساختار تغییرات مکانی داده‌ها

واریوگرام‌های تجربی محاسبه شده برای ویژگی‌های

تغییرات میزان مواد آلی خاک در محل‌های مختلف تحت قرق درازمدت به مراتب بیشتر از محل‌های تحت چراست. نتایج مشابهی توسط لاوآدو و همکاران (۸) در بررسی آثار مدیریت چرای روی میزان مواد آلی خاک به دست آمده است. مقایسه دیگر ویژگی‌های شیمیایی خاک نشان می‌دهد که میزان ازت کل، فسفر و پتاسیم قابل دسترس در هر دو محل قرق الف و ب به مراتب بیشتر از محل چرای مفراط است. میزان ازت کل در موقعیت چرای مفراط در مقایسه با محل‌های قرق الف و ب به ترتیب دارای اختلاف معنی‌داری در سطوح آماری ۱ و ۵ درصد است. از سوی دیگر تفاوت معنی‌داری بین دو محل قرق از نظر میزان ازت کل موجود در خاک دیده نشد. میزان فسفر و پتاسیم قابل دسترس در زمین‌های تحت قرق نیز به طور معنی‌داری ($P=0/01$) بیشتر از میزان این عناصر در محل‌های

جدول ۱. خلاصه آماری داده‌ها (۵۰ نمونه برای هر محل مطالعاتی) با توجه به خصوصیات مختلف شیمیایی خاک^۱

منطقه قرق ب				منطقه قرق الف				منطقه چرا				
پتاسیم	فسفر	ازت کل	مواد آلی	پتاسیم	فسفر	ازت کل	مواد آلی	پتاسیم	فسفر	ازت کل	مواد آلی	
۰/۶۶	۴۹/۵	۰/۱۸	۳/۸۰	۰/۹۰	۸۶/۳	۰/۱۶	۴/۱۳	۰/۳۱	۳۴/۹	۰/۱۳	۴/۰۶	میانگین
۰/۲۷	۲۳/۶	۰/۲۰	۲/۲۰	۰/۳۸	۲۹/۰	۰/۰۸	۱/۹۰	۰/۱۱	۱۰/۲	۰/۰۸	۱/۷۲	انحراف معیار
۰/۲۶	۲۴/۷	۰/۰۲	۰/۳۶	۰/۲۹	۴۵/۰	۰/۰۴	۰/۷۵	۰/۱۵	۱۲/۳	۰/۰۱	۱/۹۸	جداقل
۱/۴۴	۱۱۰/۵	۱/۴۰	۱۱/۴	۱/۸۰	۱۵۵/۶	۰/۴۱	۸/۳۰	۰/۷۱	۵۴/۰	۰/۳۱	۷/۰۰	حداکثر
۴۲	۴۸	۱۱۰	۵۸	۴۲	۳۴	۵۴	۴۷	۳۵	۲۹	۵۸	۴۲	ضریب تغییرات (%)

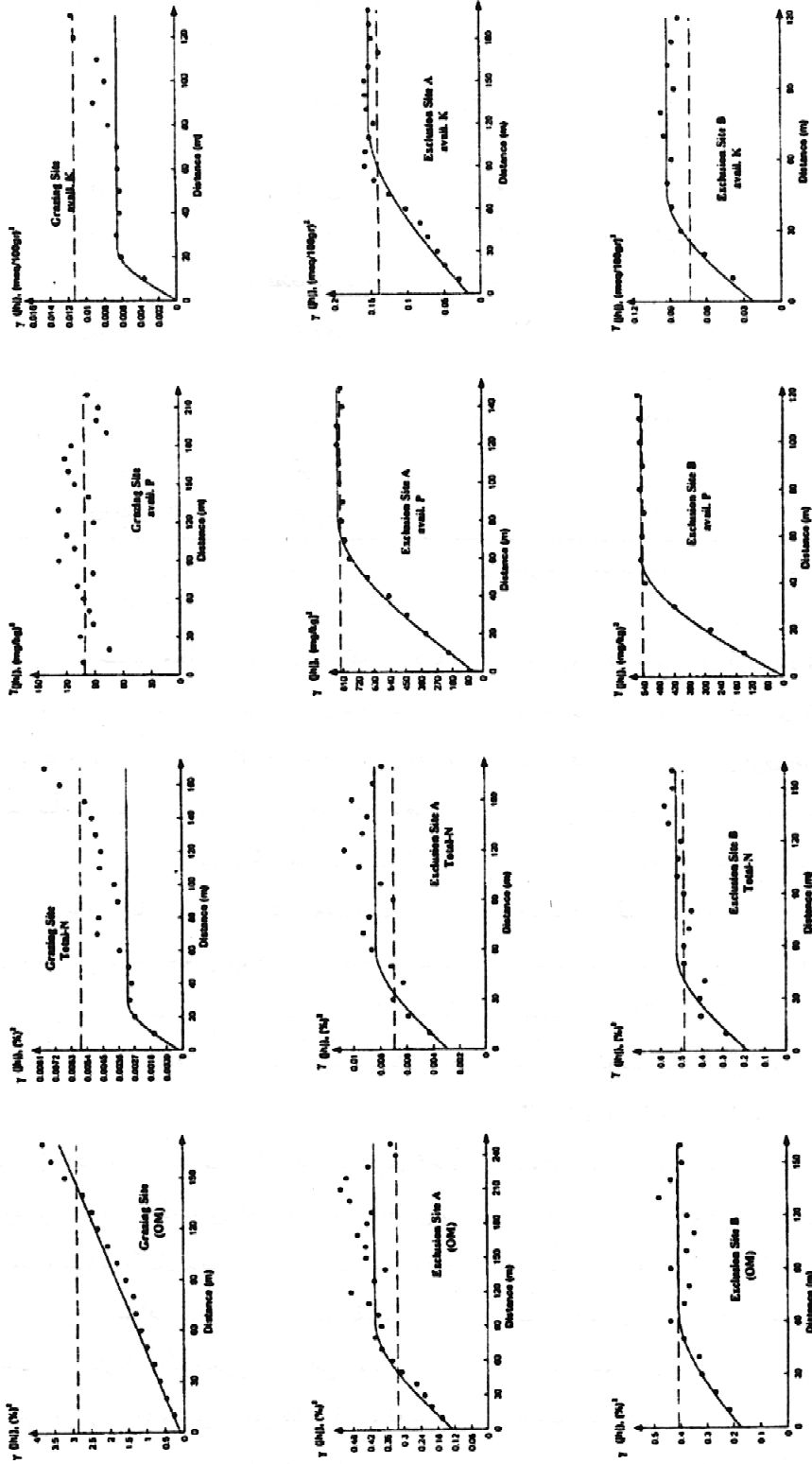
۱. مواد آلی (%)، ازت کل (%)، فسفر قابل دسترس (میلی گرم در کیلوگرم خاک)، پتاسیم قابل دسترس (میلی اکی والان در ۱۰۰ گرم).

ناشی از مدیریت آن دانست. در منطقه قرق، برگشت مواد آلی به دلیل وجود پیوسته بقایای گیاهی به گونه‌ای همگن صورت پذیرفته است. این در حالی است که در منطقه چرا به دلایلی همچون پراکنش موضعی پوشش گیاهی و نواحی خاک عریان و بروز ترجیحی فرایندهایی مانند فرسایش، برگشت‌های حیوانی و در نهایت فعالیت‌های بشری، پراکنش جغرافیایی مواد آلی رفتاری ناهمگن را از خود بروز داده است. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد که درصد اثر قطعه‌ای واریوگرام مواد آلی در محل قرق ب به مراتب بیشتر از قرق الف بوده که نشان‌دهنده وجود ناهمگنی بیشتر در توزیع مکانی مواد آلی تحت پوشش غالب درخت و درختچه‌ای است. در دامنه تغییرات واریوگرام‌های مورد نظر به خوبی این امر نشان داده شده است. دامنه واریوگرام‌های مواد آلی در محل قرق الف و ب به ترتیب ۹۶/۰ و ۷۲/۰ متر است. بدین ترتیب تغییرات مکانی مقادیر مواد آلی در قرق الف از پیوستگی بیشتری در مقایسه با قرق ب برخوردار است.

ساختار مکانی تغییرات میزان ازت کل موجود در خاک مناطق مختلف رفتاری شبیه به مواد آلی از خود نشان داده است. هم‌بستگی بسیار قوی بین مقادیر مواد آلی و ازت کل در مناطق مختلف مورد مطالعه وجود داشته است. ضرایب هم‌بستگی محاسبه شده بین میزان مواد آلی و ازت کل در مناطق چرا، قرق الف و قرق ب به ترتیب برابر با 0.678 ($P=0.000$)، 0.640 ($P=0.000$) و 0.335 ($P=0.001$) بوده است. علاوه بر آن بین

مختلف خاک در محل‌های مختلف به همراه ضرایب مدل‌های نظری برازش داده شده بر آنها به ترتیب در شکل ۳ و جدول ۲ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که صرف نظر از نوع پوشش گیاهی غالب، تمامی ویژگی‌های شیمیایی خاک در زمین‌های تحت قرق، دارای ساختار تغییرات مکانی مشخص و قوی بوده که توسط مدل کروی قابل برازش هستند. وجود همگنی نسبتاً زیاد در پراکنش و تراکم پوشش گیاهی در منطقه قرق، عامل کلیدی وجود چنین ساختار قوی مکانی است. این در حالی است که در منطقه چرای شدید، ساختار تغییرات مکانی غالب ویژگی‌های شیمیایی خاک رفتاری خطی و یا نزدیک به تصادفی از خود بروز داده‌اند. بدین معنی که برای برخی از خصوصیات واریانس مشاهدات با افزایش ابعاد منطقه مطالعاتی سیری صعودی داشته و حد آستانه‌ای برای واریانس آنها نمی‌توان تعیین کرد. این رفتار می‌تواند بیان‌کننده شدت ناهمگنی مکانی در ویژگی‌های مختلف خاک و پوشش گیاهی در منطقه چرای مفراط باشد. در عین حال برخی دیگر از متغیرها دارای رفتاری کاملاً تصادفی و یا دارای دامنه تغییرات بسیار کوچک‌تر از دامنه تغییرات همان خصوصیات در محل‌های قرق است.

علی‌رغم عدم وجود اختلاف معنی‌دار بین مقادیر مواد آلی در مناطق قرق و چرای شدید، اشکال واریوگرام‌های محاسبه شده نشان می‌دهد که ساختار مکانی این خصوصیت در محل‌های مختلف مطالعاتی کاملاً متفاوت‌اند. این تفاوت را می‌توان ناشی از تغییرات اساسی در ساختار اکوسیستم مرتع



شکل ۳. واریوگرام های متغیرهای مختلف همراه با مدل های نظری برازش داده شده در نواحی مختلف مطالعاتی. منطقه غیر قرق و تحت چرای شدید (بالا). ناحیه قرق الف (وسط) و ناحیه قرق ب (پایین) (مواد آلی = OM، ازت کل = Total-N، فسفر قابل دسترس = avail. P، پتاسیم قابل دسترس = avail. K)

جدول ۲. ضرایب مدل‌های نظری برازش داده شده بر واریوگرام‌های تجربی خصوصیات مختلف شیمیایی خاک^۱

دامنه (متر)	شیب	آستانه	اثر قطعه‌ای	مدل	ناحیه	
-	۰/۰۱۹	-	۰/۱۱۶	خطی	چرا	مواد آلی
۹۶/۰	-	۰/۴۰۳	۰/۱۲۸	کروی	قرق الف	
۷۲/۰	-	۰/۴۰۸	۰/۱۷۵	کروی	قرق ب	
۲۹/۵	-	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	کروی	چرا	ازت کل
۶۰/۵	-	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	کروی	قرق الف	
۵۵/۹	-	۰/۵۲۱	۰/۱۸۰	کروی	قرق ب	
-	-	-	-	اثر قطعه‌ای محض	چرا	فسفر
۸۲/۵	-	۸۳۸/۳۰۰	۵۸/۱۰۰	کروی	قرق الف	
۵۱/۶	-	۵۵۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	کروی	قرق ب	
۲۴/۰	-	۰/۰۰۷	۰/۰۱۸	کروی	چرا	پنتاسیم
۱۲۱/۲	-	۰/۱۵۳	۰/۰۲۲	کروی	قرق الف	
۴۶/۹	-	۰/۰۹۲		کروی	قرق ب	

۱. واحد اثر قطعه‌ای و آستانه برای مواد آلی و ازت کل عبارت از (%)، برای فسفر قابل دسترس عبارت از (میلی گرم بر کیلوگرم خاک) و برای پنتاسیم قابل دسترس عبارت است از (میلی اکی والان بر ۱۰۰ گرم خاک) است.

دسترس در محل‌های قرق دارای ساختار مکانی قوی و مناسب بوده و همانند دیگر متغیرهای شیمیایی، پیوستگی مکانی مقادیر فسفر قابل دسترس در قرق علفی، قرق الف، بیشتر از قرق درختی و درختچه‌ای، قرق ب، بوده است.

رفتار عمومی پنتاسیم قابل دسترس در مناطق مختلف نیز همانند دیگر خصوصیات شیمیایی خاک بوده است. تغییرات مکانی پنتاسیم در منطقه چرا دارای ساختاری کروی با دامنه تغییرات ۲۴/۰ متر بوده درحالی‌که در محل‌های تحت قرق ساختار تغییرات مکانی قوی و توسط مدل کروی، با دامنه‌های ۱۲۱/۲ و ۴۶/۹ متر به ترتیب برای قرق الف و ب، قابل برازش بوده است. بدین ترتیب دامنه تأثیر واریوگرام‌های محاسبه شده در هر دو محل قرق نشان می‌دهد که دامنه تأثیر پنتاسیم قابل دسترس در محل الف ۲/۵ برابر محل قرق ب بوده که نشان‌دهنده پوشش گیاهی یکنواخت و سراسری در محل مزبور است. چنین الگوی پراکنشی مربوط به پوشش گیاهی باعث یکنواختی و پیوستگی بیشتری در توزیع مکانی پنتاسیم در محل مزبور شده است. واریوگرام پنتاسیم قابل دسترس در منطقه

دو خصوصیت مزبور پیوستگی مکانی وجود داشته که بیان‌کننده وابستگی مکانی آنها به تاریخچه و مدیریت اعمال شده بر مرتع است. دامنه واریوگرام مربوط به ازت کل در محل چرا ی مفرط (۲۹/۵ متر) تقریباً نصف دامنه واریوگرام‌های مربوط به محل‌های قرق است. در عین حال پیوستگی مقادیر ازت کل در ناحیه قرق با پوشش علفی (با دامنه ۶۰/۵ متر) به مراتب بیشتر از ناحیه قرق با پوشش درختچه‌ای (با دامنه ۵۵/۹ متر) است. علاوه بر آن واریوگرام ازت کل در محل چرا ی مفرط رفتاری کاملاً خطی پس از فاصله ۱۰۰ متری از خود نشان داده است.

میزان فسفر قابل دسترس در خاک منطقه چرا، رفتاری کاملاً تصادفی از خود بروز نموده به گونه‌ای که برازش مدل نظری بر واریوگرام محاسبه شده امکان‌پذیر نبوده است. این رفتار بیان‌کننده مستقل بودن مشاهدات از یکدیگر در مقیاس مورد نمونه برداری است. به عبارت دیگر تغییرات مکانی کوتاه-دامنه (کمتر از ۱۰ متر) می‌تواند مهم‌ترین عامل کنترل‌کننده تغییرات مکانی فسفر در منطقه چرا باشد. در حالی‌که میزان فسفر قابل

چرا همانند ازت کل، پس از فاصله ۱۰۰ متری رفتاری صعودی و خطی نشان می‌دهد.

تجزیه و تحلیل فراکتالی الگوی تغییرات مکانی داده‌ها

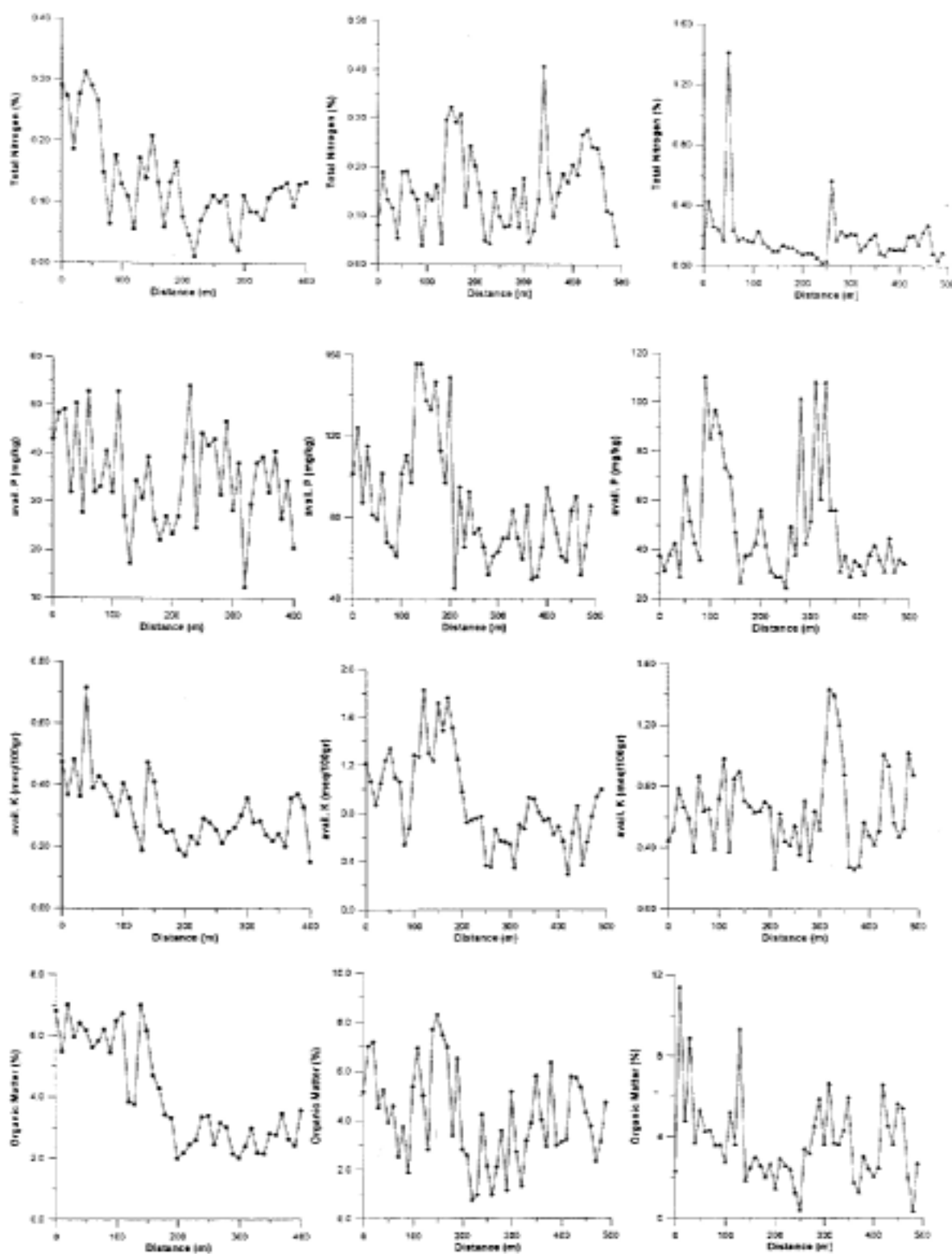
نوسانات مقادیر متغیرهای بررسی شده در طول ترانسکت در شکل ۴ نمایش داده شده است. مقادیر بعد فراکتالی محاسبه شده برای متغیرهای مختلف در محل‌های مطالعاتی نیز در جدول ۳ ارائه شده است. الگوی تغییرات مکانی ازت کل در محل‌های مطالعاتی مختلف علی‌رغم شباهت‌های زیاد به یکدیگر، نشان می‌دهد که نوسانات مکانی ازت کل در محل‌های قرق الف و ب کمتر از منطقه چراس است. مقدار بعد فراکتالی محاسبه شده نیز حاکی از کوچک‌تر بودن بعد فراکتالی ازت کل در این محل‌هاست. مشاهده حداکثر مقدار عددی برای بعد فراکتالی ازت کل در ناحیه چرای مفراط، بیان‌کننده غالب بودن نوسانات و تغییرات کوتاه دامنه ازت کل در این ناحیه است. واریوگرام‌های مربوط نیز به‌خوبی این موضوع را منعکس کرده است. به‌نظر می‌رسد که شباهت‌های بسیار زیاد الگوی تغییرات ازت کل می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که به‌طور کلی تغییرات ازت کل کمتر، متأثر از مدیریت‌های مختلف مرتع بوده و عوامل دیگری که به‌طور یکسان در منطقه عمل نموده بر رفتار و پراکنش جغرافیایی آن تأثیر گذار بوده است.

بررسی نحوه پراکنش و رفتار فراکتالی فسفر قابل دسترس در نواحی مختلف به‌خوبی الگوهای پراکنش مکانی متفاوت این خصوصیت شیمیایی تحت تأثیر مدیریت‌های مختلف مرتع را نشان می‌دهد. ترسیم تغییرات نقطه به نقطه میزان فسفر در خاک، حاکی از نوسانات موضعی شدید در لایه سطحی خاک به‌ویژه در ناحیه غیر قرق است. این در حالی است که در نواحی تحت قرق نه تنها نوسانات و تغییرات موضعی فسفر از یک نقطه نمونه‌برداری به نقطه مجاور کمتر است، بلکه بخش اعظم این تغییرات دارای ساختار و نظام‌مندی مشخصی است. واریوگرام‌های محاسبه شده دلالت بر این امر دارد. در منطقه غیر قرق، واریوگرام فسفر قابل دسترس فاقد ساختار بوده و از نوع اثر قطعه‌ای محض است. از سوی دیگر در مناطق تحت

قرق، محاسبه نسبت اثر قطعه‌ای به حد آستانه واریوگرام‌های مربوط نشان می‌دهند که به‌طور میانگین بین صفر تا ۶ درصد از تغییرات مکانی به‌ترتیب در نواحی قرق الف و ب غیرقابل توصیف بوده و بخش اعظم واریانس داده‌ها توسط واریوگرام‌ها برازش داده شده است. این بدان معنا است که به‌طور متوسط مقدار اثر قطعه‌ای نسبی (نسبت اثر قطعه‌ای به حد آستانه) در مناطق قرق الف و ب به‌ترتیب ۰/۰ و ۶/۰ درصد است. بعد فراکتالی محاسبه شده نیز نشان می‌دهد که حداکثر مقدار عددی بعد فراکتالی فسفر قابل دسترس در نواحی تحت چرای شدید، قرق الف و ب به‌ترتیب ۱/۹۳۰، ۱/۷۴۵ و ۱/۷۶۱ به‌دست آمده است.

نمودار تغییرات پتاسیم قابل دسترس در نواحی مختلف حاکی از تغییرات و نوسانات نقطه به نقطه شدید در نواحی تحت چرای مفراط و سپس ناحیه قرق ب است. محاسبه بعد فراکتالی پتاسیم در نواحی مختلف نیز مؤید این نکته می‌باشد. حداکثر بعد فراکتالی در محل چرای مفراط (۱/۸۲۱) و حداقل آن در محل قرق الف (۱/۶۲۷) محاسبه شد. بررسی واریوگرام‌های محاسبه شده نشان می‌دهد که میزان اثر قطعه‌ای نسبی در نواحی قرق ب دو برابر اثر قطعه‌ای نسبی در ناحیه قرق الف است. پی‌بردن به دلایل بروز چنین رفتار و الگوی متفاوت تغییرات و نوسانات پتاسیم در مناطق مختلف قرق نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

تغییرات مواد آلی در نواحی مختلف نشان می‌دهد که در منطقه غیرقرق الگوی تغییرات مکانی مواد آلی از یک روند کلی پیروی می‌کند. در ابتدای ترانسکت نمونه‌برداری شده و تا فاصله تقریبی ۱۰۰ متر، میزان مواد آلی زیاد و سپس به‌صورت تدریجی کاهش پیدا می‌کند. چنانچه به واریوگرام محاسبه شده مواد آلی در این ناحیه به‌دقت توجه شود، چنین رفتاری را می‌توان در دامنه ۸۰ تا ۹۰ متر، در جایی که واریوگرام به یک حد آستانه مجازی نزدیک می‌شود، مشاهده کرد. از سوی دیگر نمودار تغییرات نقطه به نقطه مواد آلی در نواحی تحت قرق به مراتب، تغییرات بیشتری را نشان می‌دهد. اگر چه واریوگرام‌های



شکل ۴. نوسانات مقادیر متغیرهای مختلف در طول خط نمونه برداری در ناحیه غیر قرق (ستون سمت چپ)، ناحیه قرق الف (ستون وسط) و ناحیه قرق ب (ستون سمت راست).

جدول ۳. ابعاد فراکتالی محاسبه شده برای متغیرهای مختلف در نواحی مختلف مورد بررسی

بعد فراکتالی (D)	مدیریت مرتع (محل های مطالعاتی)	خصوصیات شیمیایی خاک
۱/۸۶۶	چرای مفراط	ازت کل
۱/۸۶۲	قرق الف	
۱/۸۶۰	قرق ب	
۱/۹۳۰	چرای مفراط	فسفر قابل دسترس
۱/۷۴۵	قرق الف	
۱/۷۶۱	قرق ب	
۱/۸۲۱	چرای مفراط	پتاسیم قابل دسترس
۱/۶۲۷	قرق الف	
۱/۷۸۸	قرق ب	
۱/۷۰۱	چرای مفراط	مواد آلی
۱/۷۸۵	قرق الف	
۱/۸۷۳	قرق ب	

مورد بررسی بوده است. وی ابعاد فراکتالی ۲/۰ و ۱/۴ را به ترتیب برای pH و غلظت آهن در خاک، به دست آورد.

نتیجه گیری

مدیریت قرق درازمدت در منطقه مورد بررسی نه تنها روی مقدار و میزان خصوصیات مختلف شیمیایی خاک، بلکه بر ساختار تغییرات مکانی آنها نیز تأثیر گذاشته است. قرق نمودن مرتع باعث کاهش آثار ناخواسته ناشی از فعالیت های انسان و همچنین تغییرات اساسی در جامعه گیاهی و پراکنش جغرافیایی آن شده است. نتایج به دست آمده با دیگر مطالعات انجام شده روی اثرهای مدیریت مرتع در الگوی تغییرات مکانی خصوصیات شیمیایی خاک با بررسی ساختار تغییرات مکانی خصوصیات مختلف خاک مطابقت دارد (۶ و ۸). بررسی حاضر امکان شناسایی و برآورد پارامترهای حساس به مدیریت و تاریخچه مرتع را به وجود آورده است. از اطلاعات حاصل می توان برای درک بیشتر روابط خاک-گیاه در اکوسیستم مرتع، ارائه توصیه های مدیریتی مانند کوددهی و بهینه سازی رویکردهای نمونه برداری در مطالعات آتی بهره گیری کرد. نتایج حاصل از به کارگیری نظریه فراکتالی نشان می دهد که

مواد آلی در این نواحی توسط مدل دارای حد آستانه برازش داده شده است، ولی محاسبه مقدار اثر قطعه ای نسبی حاکی از زیاد بودن نوسانات مواد آلی در مقیاس کوتاه دامنه می باشد. نسبت اثر قطعه ای به حد آستانه در مناطق قرق الف و ب به ترتیب ۳۲/۰ و ۴۳/۰ درصد بوده است. علاوه بر آن واریوگرام های مواد آلی در هر دو منطقه تحت قرق بیان کننده رفتار پیرودی پس از رسیدن به حد آستانه می باشد. چنین رفتاری متأثر از الگوی کپه ای مانند تغییرات پوشش گیاهی در نواحی قرق به ویژه در ناحیه با پوشش علفی غالب است. بدین ترتیب حداقل مقدار بعد فراکتالی در ناحیه غیر قرق (۱/۷۰۱) و سپس در ناحیه قرق الف (۱/۷۸۵) و قرق ب (۱/۸۷۳) به دست آمد.

اگرچه مطالعه مشابهی به منظور مقایسه نتایج حاصل از پژوهش حاضر در دسترس نمی باشد، ولی بررسی حاضر نشان می دهد که ویژگی های شیمیایی خاک دارای خصیصه فراکتالی بوده و مقایسه بین مقادیر محاسبه شده بعد فراکتالی با نتایج مطالعات بورو (۳) مطابقت می کند. محاسبه بعد فراکتالی برخی ویژگی های خاک در امتداد یک ترانسکت نمونه برداری شده با استفاده از روش واریوگرام به اعداد بزرگی منجر شد که در حقیقت بیان کننده همبستگی اندک مکانی بین مقادیر متغیرهای

طبیعی استفاده کرد.

از آنجایی که درک و شناخت فرایندها و الگوهای رفتاری پدیده‌های طبیعی از اهمیت زیادی در مدیریت آنها برخوردار است و از سوی دیگر با توجه به این واقعیت که نظریه فراکتال قادر به ارائه توصیفی کمی از خودتشابهی، پیچیدگی، وابستگی الگوی تغییرات به مقیاس مطالعاتی و در نهایت نامحدود بودن جزئیات مربوط به یک پدیده طبیعی است، انتظار می‌رود که کاربرد نظریه فراکتال در علوم طبیعی بیش از پیش مورد توجه محققان قرار گیرد. به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اساسی فراروی محققان علوم طبیعی به‌کارگیری و انتقال این مفاهیم در مدل‌های کاربردی توصیف‌کننده فرایندهای طبیعی خواهد بود.

سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه شهرکرد انجام شده است. بدین وسیله از مساعدت‌های کلیه مسئولین این دانشگاه تشکر و قدردانی می‌گردد.

خصوصیات خاک دارای ویژگی فراکتالی است. بدین ترتیب که آزمون تغییرات مکانی آنها با افزایش مقیاس مطالعاتی، اطلاعات را با جزئیات بیشتری آشکار می‌سازد. اگر چه آنها رفتار فراکتال‌های ایدآل را کاملاً منعکس نمی‌کنند، ولی بعد فراکتالی، که می‌توان آن را با استفاده از واریوگرام محاسبه کرد، شاخص مناسبی برای حضور و اهمیت مقیاس‌های تو در تو (Nested) تغییرات مکانی متغیرهای مورد مطالعه در طول خط نمونه‌برداری می‌باشد. علاوه بر آن مقادیر بعد فراکتالی محاسبه شده برای متغیرهای مختلف نشان می‌دهد که صرف نظر از محل نمونه‌برداری، ویژگی‌های شیمیایی خاک دارای تغییرات و نوسانات مکانی غیرپیرایشی (Non-Smoothing) بوده که تحت تأثیر مدیریت‌های مختلف این نوسانات نیز بیشتر می‌شود. به‌طور مثال، تحت تأثیر چرای بی‌رویه از میزان هم‌بستگی مکانی بین مقادیر متغیرها در طول ترانسکت نمونه‌برداری به شدت کاسته شده به‌گونه‌ای که مقادیر عددی آنها را می‌توان مستقل از یکدیگر قلمداد کرد. به‌طور کلی، از بعد فراکتال می‌توان به‌عنوان یک شاخص آماری، مانند دیگر خلاصه آمارهای مرسوم در علم آمار، برای توصیف ناهمگونی ذاتی پدیده‌ها و یا خصوصیات

منابع مورد استفاده

- Bauer, A., C. V. Cole and A. L. Black. 1987. Soil property comparisons in virgin grasslands between grazed and nongrazed management systems. *Soil Sci. Soc. Amer. J.* 51: 176-182.
- Burke, I. C. 1989. Control of nitrogen mineralization in a sagebrush steppe landscape. *J. Ecol.* 70: 1115-1126.
- Burrough, P. A. 1981. Fractal dimensions of landscapes and other environmental data. *Nature* 294: 240-242.
- Burrough, P. A. 1983. Multiscale sources of spatial variation in soil I. The application of fractal concepts to nested levels of soil variation. *J. Soil Sci.* 34: 577-597.
- Chaneton, E. J. and R. S. Lavado. 1996. Soil nutrients and salinity after long-term grazing exclusion in a Flooding Pama grassland. *J. Range Manag.* 49: 182-187.
- Dormaar, J. F., S. Smoliak and W. D. Willms. 1989. Distribution of nitrogen fractions in grazed and ungrazed fescue grassland Ah horizon. *J. Range Manag.* 43: 6-9.
- Graetz, R. D. and D. J. Tongway. 1986. Influence of grazing management on vegetation, soil structure and nutrient distribution and the infiltration of applied rainfall in a semi-arid chenopod shrubland. *Aust. J. Ecol.* 11: 347-360.
- Lavado, R. S., J. O. Sierra and P. N. Hashimoto. 1996. Impact of grazing on soil nutrients in a Pampean grassland. *J. Range Manag.* 49: 452-457.
- Mandelbrot, B. B. 1982. *The Fractal Geometry of Nature*. W. H. Freeman, San Francisco, USA.
- Page, A. L., R. H. Miller and D. R. Keeney. 1982. *Methods of Soil Analysis. Part II., 2nd ed., Chemical and Mineralogical Properties*. SSSA Pub. Madison, WI.
- Palmer, M. W. 1988. Fractal geometry: A tool for describing spatial patterns of plant communities. *Vegetatio*. 75: 91-102.
- Webster, R. and M. A. Oliver. 2001. *Geostatistics for Environmental Sciences*. John Wiley & Sons, New York.
- West, C. P., A. P. Malarino, W. P. Wedin and D. B. Marx. 1989. Spatial variability of soil chemical properties in grazed pastures. *Soil Sci. Soc. Amer. J.* 53: 784-789.